روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امام صادق(ع):
بهترین میراثی که پدران برای فرزندان می‌گذارند ادب است، نه ثروت؛ زیرا ثروت می‌رود و ادب می‌ماند

دعای روز پنجم ماه رمضان

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهمّ اجْعَلْنی فیهِ من المُسْتَغْفرینَ واجْعَلْنی فیهِ من عِبادَکَ الصّالحینَ القانتین واجْعَلْنی فیهِ من اوْلیائِکَ المُقَرّبینَ بِرَأفَتِکَ یا ارْحَمَ الرّاحِمین.
خدایا قرار بده مرا در این روز از آمرزش‌جویان و قرار بده مرا در این روز از بندگان شایسته و فرمانبردارت و قرار بده مرا در این روز از دوستان نزدیکت به مهربانی خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

اخبار

آغاز پیش‌تولید نمایش موزیکال اساطیری رستم و سهراب

همزمان با ۲۵ اسفندماه سالروز پایان سرایش شاهنامه فردوسی، پیش‌تولید موزیکال اساطیری «رستم و سهراب» به کارگردانی حسین پارسایی آغاز شد. با پایان یافتن نگارش نمایشنامه موزیکال اساطیری رستم و سهراب به نویسندگی متین ایزدی، این نمایش بزرگ میدانی همزمان با سالروز پایان سرایش شاهنامه وارد مرحله پیش‌تولید شد. سهیل دانش‌اشراقی، مدیر هنری، طراح صحنه و لباس پروژه رستم و سهراب است و حسین پارسایی به همراه سید محمود شبیری، تهیه‌کنندگی مشترک این نمایش بزرگ میدانی را بر عهده دارند.

علیرضا قربانی در نوروز ۱۴۰۳ هم کنسرت می‌دهد

پروژه موسیقایی «با من بخوان» به آهنگسازی حسام ناصری و خوانندگی علیرضا قربانی در ایام نوروز ۱۴۰۳ هم میزبان مخاطبان خواهد بود. نخستین کنسرت علیرضا قربانی در سال ۱۴۰۳ از ۳ تا ۷ فروردین‌ماه در ۲ نوبت ۱۹ و ۲۲:۳۰ به میزبانی تالار اسپیناس تهران برگزار می‌شود. در این کنسرت‌ها که با مدیریت هنری حسام ناصری برگزار می‌شود، به ترتیب ۱۳ قطعه عروج، پریشانی، پل، زلف سیه، مرا ببخش، بی‌گناه، می‌دانی تو، شوشتری، در زلف تو آویزم، عاشقانه نیست، گفت‌وگو، خیال خوش و روزگار غریب برای مخاطبان اجرا خواهد شد. بلیت‌فروشی اجراهای نوروزی علیرضا قربانی از دیروز (جمعه ۲۵ اسفندماه) در سامانه هنرتیکت در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. علیرضا قربانی همچنین تا ۲۹ اسفندماه سال‌جاری هر شب در ۲ سانس در سالن هتل اسپیناس پالاس تهران روی صحنه می‌رود.

سریال عراقی «مصطفی زمانی» در ایران هم پخش می‌شود

سریال «آمرلی» از روز گذشته به مناسبت ماه مبارک رمضان، همزمان با پخش در شبکه الرابعه عراق، در شبکه نمایش خانگی نیز پخش خواهد شد. این سریال در ژانر درام، عاشقانه و جنگی است که در عراق تولید شده و قرار است روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه از شبکه نمایش خانگی پخش شود. در خلاصه داستان این سریال آمده است: «آمرلی داستان عاشقانه یک خبرنگار عراقی برای یافتن راز زندگی‌اش در یک موقعیت جنگی است...». «آمرلی» به کارگردانی احمد ابراهیم احمد و تهیه‌کنندگی امیرمهدی پوروزیری ساخته شده است. مصطفی زمانی و ناریمان الصالحی نقش‌های اصلی این سریال را بر عهده دارند و پوستر ایرانی این اثر را محمد موحدنیا طراحی کرده است.

فصل سوم «چل پله زیر زمین» روی آنتن شبکه نهال می‌رود

فصل سوم سریال انیمیشن «چل پله زیر زمین»، محصول مرکز انیمیشن سوره، به نویسندگی نسیم خراشادی‌زاده و کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا طاهری، از شنبه ۲۶ اسفند هر شب ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه نهال می‌رود. فصل جدید این اثر که به مشکلات زیست‌محیطی توجه دارد و مخاطبان را با جاذبه‌های گردشگری و تاریخی آشنا می‌کند، در ژانر کمدی فانتزی - آموزشی و در ۱۳ قسمت ۱۲ دقیقه‌ای آماده نمایش شده است. همچنین در آستانه پخش، پوستر و تیزر این مجموعه پویانمایی نیز که به ترتیب طراحی و ساخت آن بر عهده علیرضا طاهری و علی نوروزیان بوده است، منتشر شد. در فصل سوم، کاراکتری به نام «کلک» که شخصیتی بدجنس است، سعی دارد به کمک «فضولچه» در کارهای «دکتر تور» و گروه قهرمانی خرابکاری کند، همچنین در این سری یک دختر خردسال به نام «روشا» که خواهرزاده «دکتر تور» است به گروه قهرمانی اضافه شده که بسیار باهوش و بازیگوش است.

برنده اسکار امسال با «انواع مهربانی» می‌آید

تاریخ اکران فیلم بعدی یورگوس لانتیموس که یک بار دیگر با بازی «اما استون» ساخته شده است، اعلام شد. «انواع مهربانی» نام فیلم بعد یورگوس لانتیموس کارگردان است که بار دیگر با بازی اما استون ساخته شده و گفته شده است که تابستان پیش رو راهی سینماها می‌شود. سرچ لایت، استودیوی مستقلی که فیلم را توزیع می‌کند، تاریخ اکران این فیلم را ۲۱ ژوئن (یکم تیر) اعلام کرد. اگرچه از داستان فیلم اطلاعی در دست نیست اما گفته شده در آن استون با ویلم دفو و مارگارت کوالی از بازیگران «بیچاره‌ها» و همچنین جو آلوین بازیگر «محبوب»، دوباره جلوی دوربین رفته است. جسی پلمونز، هونگ چاو، هانتر شفر و مامودو آتی دیگر بازیگران این فیلم هستند. لانتیموس فیلمنامه «انواع مهربانی» را با همکاری افتیمیس فیلیپو نوشته است. این ۲ پیش از این تریلرهای تاریک و کمدی‌های پوچ‌گرایانه «خرچنگ»، «کشتن گوزن مقدس» و «دندان سگ» را نوشته بودند. «انواع مهربانی» پنجمین همکاری بین استون و لانتیموس است و جدیدترین فیلم‌شان «بیچاره‌ها»، یک کمدی فانتزی به سبک فرانکشتاین، دومین اسکار بهترین بازیگر زن را برای استون به ارمغان آورد. «بیچاره‌ها» در مجموع برنده ۴ جایزه اسکار از جمله تولید و طراحی صحنه و لباس شد. در این فیلم استون نقش زنی را بازی کرده که خودکشی می‌کند و با مغز نوزاد متولد نشده‌اش به زندگی بازگردانده می‌شود. «بیچاره‌ها» اکنون در حال اکران در سینماهای جهان است و تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیون دلار فروش کرده است.

نگاهی به جریان قهرمان‌محور در سینمای ایران

قهرمان متولد می‌شود

گروه فرهنگ و هنر: در حالی جشنواره فیلم فجر چهل‌ودومین دوره خود را به پایان برد که امسال شاهد حضور آثار زیادی با محتوا و سوژه‌های قهرمان‌محور بودیم؛ موضوع یا بهتر بگوییم حلقه مفقوده‌ای که سینمای ایران سالیان سال است به رغم وجود اساطیر و قهرمانان پرشمار در این سرزمین، از آن کم‌بهره یا بی‌بهره مانده است، البته چند سال است سینما با تغییر ریل در سیاست‌گذاری، تلاش کرده است این حلقه مفقوده را پیدا و آن را در سینمای ایران ساری و جاری کند. نمونه بارز آن نیز چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر بود که شاهد حضور پررنگ و قابل توجه آثاری با مضامین و سوژه‌های از قهرمانان این سرزمین بودیم؛ آثاری که قرار است در طول سال در سینمای ایران اکران شوند و در معرض دید مردم قرار گیرند.

اما حقیقتا چرا قهرمان در سینما و پیش از آن در ادبیات به عنوان یکی از منابع و مراجع مهم هنرهای نمایشی کشور تا این میزان دارای ارزش است؟ و اینکه چرا سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای بیان و به تصویر کشیدن قهرمانان، تا این مقدار در این بحث ضعیف عمل کرده است؟

اساسا قهرمان‌پردازی در ادبیات کلاسیک و معاصر ایران جایگاه قابل توجهی دارد و درونمایه بسیاری از قصه‌های عامیانه ما از شکل و شمایل قهرمانانی سخن می‌گوید که برای هدفی می‌جنگند و هدف‌شان، گونه ادبی قصه را تعیین می‌کند. برای نمونه شاهنامه فردوسی مملو از قهرمانان و ضدقهرمانانی است که با وجود سبک اساطیرگونه و تخیلی که به خود می‌گیرند اما به قدری جذاب هستند که انسان مشتاقانه آنها را دنبال می‌کند، بنابراین به نظر می‌رسد نفس وجود قهرمان در ادبیات و سینما و تنوع و تکثر سوژه‌های ملی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران به وفور یافت می‌شود.

از سوی دیگر، یکی از اموری که بارها به آن تاکید شده، فیلمسازی و سریال‌سازی برای قهرمانان کشور است که علاقه‌مندان به این گونه فیلمسازی هم بسیار هستند اما وجود مشکلاتی در این عرصه باعث عقب‌نشینی و انصراف فیلمسازان از حضور و تولید چنین پروژه‌هایی بوده است. از جمله این موانع، فاصله‌ای است که میان هنرمندان و متولیان به وجود آمده است. بعضی هنرمندان که به برخی شیوه‌ها انتقاد دارند، نسبت به پرداختن به زندگی و خط مشی قهرمانان ملی - مذهبی تردید می‌ورزند! به این دلیل که نگران متهم شدن به اهداف منفعت‌طلبانه می‌شوند! حال آنکه قهرمان در هر دوره و تاریخی، قهرمان است. ضمن اینکه در به تصویر کشیدن حال و هوای قهرمانان، خط قرمزها و چارچوب‌هایی وجود دارد که رعایت آنها، قهرمان را برای مردم غیرقابل باور می‌کند. حال آنکه قهرمانان انسان‌هایی زمینی هستند که با وجود مشکلات و کمبودها مأیوس نمی‌شوند و همواره با امید و توکل به خدا تلاش می‌کنند. آنها معصوم و بری از اشتباه نیستند که به شکلی فراواقعی از آنها اسطوره‌سازی کنیم و اگر بخواهیم قهرمان‌پردازی در سینما بهبود یابد، باید دست فیلمسازان و همچنین موسسات و نهادهایی را که در این زمینه مسؤولیت دارند، باز بگذاریم که فیلم‌های امروزی و ملموس برای مردم بسازند. این گونه فیلم‌ها نیاز جامعه ما است و به مردم نشان می‌دهد چگونه در اوج گرفتاری‌ها، امیدواری منجر به پیروزی می‌شود و از نظر کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار مثمر ثمر خواهد بود. ضرورت حضور قهرمان در سینمای ایران به قدری است که در حال حاضر، بسیاری از کسانی که به سینمای ایران نقد دارند، معتقدند یکی از نقاط ضعف سینمای ایران در حال حاضر نبود قهرمان در آثار سینمایی است. به تعبیری، سینمای قهرمان‌محور امروز به فراموشی سپرده شده است

با مروری بر سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود وضعیت به این ترتیب نبوده است یا حداقل قرار نبود چنین شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرهنگ ما دچار تحولاتی شد که یکی از همین تغییرات مربوط به واژه قهرمان بود. به گونه‌ای که به قهرمان بودن ملت تاکید و این مساله مطرح شد که ما دیگر احتیاجی به قهرمان‌سازی نداریم و باید از کاراکترهای قهرمان به سبک کشورهای دیگر و همچون فیلمفارسی امتناع کرد.

اما در همان ایام ورق برگشت و چهره‌هایی که امروز به آنها سلبریتی گفته می‌شود، جای قهرمان را در سینمای ایران گرفتند، وضعیتی که تا دهه ۸۰ نیز ادامه داشت اما خوشبختانه از دهه ۹۰ سینمای قهرمان‌محور که مدتی به فراموشی سپرده شده بود، با ساخت فیلم‌هایی نظیر «آن۲۳ نفر»، «ایستاده در غبار»، «به وقت شام»، «تنگه ابوقریب»، «چ»، «منصور» و... دوباره جان گرفت و بحث توجه به قهرمانان جمعی و حتی قهرمان فردی به میان آمد و این امر از سوی نهادهای متولی فرهنگ و هنر جدی گرفته شد.

شاید یکی از دلایلی که پیش از دهه ۸۰ کمتر به ساخت آثار قهرمان‌محور توجه شد، حساسیت‌هایی است که در ساختار سینمای ایران وجود داشت؛ به هر حال پرداختن به یک شخصیت قهرمان و قرار دادن آن شخصیت در چارچوب باورها و بایدها و نبایدها، یک توجه مضاعف می‌طلبد به طوری که هم باید توانایی داستان‌نویسی، شخصیت‌پردازی، ترسیم قهرمان و تبدیل کردن آن به یک فیلمنامه را داشته باشیم و هم اینکه مختصات شخصیت به گونه‌ای باشد که در چارچوب قرار بگیرد. از سوی دیگر ساخت آثار قهرمان‌محور به واسطه حساسیت‌های بعضا بیش از حد و بودجه‌محور بودن، شاید نیازمند حضور جدی نهادهای حاکمیتی و دولتی است.

اما همان طور که بدان اشاره شد از دهه ۹۰ هر چه جلوتر آمدیم، وضعیت به مراتب و به نسبت گذشته بهتر و قابل قبول‌تر شد تا جایی که در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر شاهد حضور آثار پرتعداد پیرامون موضوع قهرمان بودیم که نشان از اهتمام ویژه نهادها برای پرداخت و معرفی قهرمانان ملی و میهنی برای نسل جدید و جوان کشور داشت. آثاری چون «آسمان غرب»، «صبح اعدام»، «احمد» «باغ کیانوش»، «آپاراتچی»، «مجنون»، «قلب رقه»، «شمشیر و اندوه» و «پروین» از جمله آثاری هستند که هم از بعد فنی و هم از بعد محتوایی در حد قابل قبولی به شمار می‌روند و می‌توان امیدوار بود جریان تولید آثار سینمایی با رویکرد قهرمان‌محور در سینمای ایران پررنگ و از همه مهم‌تر اهتمام نهادها به دلیل بودجه‌محور بودن این تولیدات نیز ویژه و ویژه‌تر شده است.

اگرچه در مقطعی مفهوم قهرمان در سینمای ما دچار خدشه شد و هنوز تعریف درستی از آن نداریم اما اگر به قهرمان‌سازی در آثارمان توجه کنیم و در فیلم‌های‌مان شخصیت‌های موثر را نشان دهیم، قطعا الگوسازی شکل می‌گیرد و چنین کاراکترهایی در جامعه زیاد می‌شوند. ما قهرمان‌های زیادی داریم که قابلیت این را دارند که به یک اثر سینمایی تبدیل شوند و این قهرمانان فقط کسانی نیستند که در زمان جنگ متولد شده‌اند. از سوی دیگر حتما لازم نیست که قهرمان، شخصیتی در جنگ باشد که کارهای عجیب و غریب انجام دهد و حتی یک پدر مبارز در برابر مشکلات بزرگ اجتماعی می‌تواند قهرمانی جذاب و دوست‌داشتنی باشد. به نظر می‌آید اگر ما قهرمان خود را خلق و به درستی الگوسازی کنیم، به ترمیم روحیه مردم، ایجاد امید، نشاط و انگیزه کمک کند.

به بهانه سالروز تولد علیرضا زرین‌دست

هنرمندی با ۵ دهه تجربه در سینمای ایران

گروه فرهنگ و هنر: علیرضا زرین‌دست با بیش از ۵ دهه حضور مستمر در متن و بطن سینمای ایران و تلاش مستمر جهت ارتقای کیفی فیلم‌ها با نبوغ و ابتکاراتی شخصی، یکی از ستون‌های فیلمبرداری سینمای ایران به شمار می‌رود. او که در آستانه ۷۸سالگی هنوز انگیزه زیادی برای مهندسی و زیبایی‌شناسی تصاویر اثری که برای کار برمی‌گزیند، دارد، همواره در هر اثر خود را ملزم می‌بیند در عین انجام کاری هماهنگ با ذهنیت کارگردان، با اتکا به ذوق و خلاقیتش، چیزی به کیفیت محصول نهایی بیفزاید.

در عین حال او یکی از سالم‌ترین و بی‌حاشیه‌ترین هنرمندان سینمای ایران است که در تمام این سال‌ها با ورزش محبوبش «تنیس»، تلاش کرده جسم و روحش را آماده و روی فرم نگاه دارد. «متروپل»، «سرو زیر آب» و «پری» ۳ فیلمی هستند که برایش سیمرغ مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران را به ارمغان آوردند و با فیلم‌های «ملکه»، «فرزند خاک» و «سیندرلا» تندیس جشن خانه سینما را دریافت کرد.

زرین‌دست متولد ۱۳۲۴ در تبریز است، پدرش از مهاجران باکو و پدربزرگش مشهدی بود و در خانواده‌ای بزرگ شد که به تئاتر و هنرهای نمایشی بسیار علاقه‌مند بودند. برادران بزرگ‌ترش یکی تهیه‌کننده سینما و دیگری از نقاشان برجسته کشور هستند اما او فعالیت حرفه‌ای را از اواخر دهه ۴۰ آغاز کرد و در دهه ۵۰ نیز با فیلمسازانی چون کیارستمی، نادری، تقوایی و فرمان‌آرا همکاری کرد اما از ابتدای دهه ۶۰ یا بهتر بگوییم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هنرش دیده و ارج نهاده شد. او در سال‌های دهه ۶۰ با حضور فیلمسازان جوان در سینمای ایران، دوره جدیدی از فعالیتش را آغاز کرد؛ دوره‌ای که مملو بود از خلاقیت‌ها و ابتکارات ماندگارش در سینمای ایران و بر همین اساس تمام جوایز و افتخاراتش به‌رغم ۲ دهه فعالیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای سینمای دهه ۶۰ به بعد است.

در این میان موزه سینما طی اقدامی ارزشمند با توجه به اهتمام ویژه‌اش طی سالیان اخیر اقدام به ثبت و ضبط تاریخ شفاهی سینمای ایران در گفت‌وگو با هنرمندان پیشکسوت کرده است، از همین رو با توجه به سالروز تولد این هنرمند، بخشی از گفت‌وگوهای انجام شده با ایشان را منتشر کرده است.

زرین‌دست در گفت‌وگویی تصویری که با موزه سینما داشت با اشاره به تاثیرات خانواده‌اش بویژه مسعود زرین‌دست برادر بزرگ‌تر و از عکاسان بنام هنرهای تجسمی کشور گفت: در چنین شرایطی من غیرارادی از هر ۲ برادر یاد می‌گرفتم. در خانه ما اغلب درباره تئاتر صحبت می‌کردند، زیرا خواهر و برادرهایم در تبریز بازیگر تئاتر بودند و در صحبت‌های آنها متوجه می‌شدم که درباره مولیر، شکسپیر و چخوف صحبت می‌کنند، من آنها را می‌شنیدم و برایم بسیار جذاب بود.

وی با بیان اینکه ذهن بسیار تصویرسازی دارد، بیان داشت: یادم می‌آید در همان زمان کودکی وقتی خواهر و برادرهایم درباره سینما و تئاتر صحبت می‌کردند، من در ذهنم از صحبت‌های آنها تصویر می‌ساختم و همه اینها دست به دست هم داد و از من به صورت غیرارادی شخصیتی ساخت که به سمت سینما، نور، نقاشی و عکاسی سوق پیدا کردم. یادم می‌آید در ۱۰ سالگی در خانه‌ای زندگی می‌کردیم که طبقه پایین آن سینما بود؛ سینما داریوش در خیابان قزوین. یعنی فاصله من با سینما و آپاراتخانه ۳ دقیقه بود.

■ آشنایی با عباس کیارستمی

وی با بیان اینکه با عباس کیارستمی در ۵ فیلم همکاری داشته است، گفت: نخستین همکاری من با کیارستمی در «زنگ تفریح» بود و بعد از آن فیلم «تجربه» که به صورت سیاه و سفید کار کردیم و بعد از آن هم «گزارش»، «کلوزآپ» و «همسرایان».

زرین‌دست با بیان اینکه تیتراژ فیلم «رشید» را کیارستمی ساخته است، بیان داشت: آشنایی من با این هنرمند فقید سینما در همین تیتراژ بود که آن را فیلمبرداری کردم، البته بعضی از پلان‌های فیلم «نان و کوچه» را هم من گرفتم.

■ همکاری با مسعود کیمیایی

وی در پاسخ به سوال مجید اسماعیلی، مدیرعامل موزه سینما مبنی بر اینکه همکاری با مسعود کیمیایی را از چه زمانی آغاز کرده است، پاسخ داد: همکاری من با کیمیایی به سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۴۷ برای ساخت فیلم «بیگانه بیا» بازمی‌گردد که در آن فیلم دستیار بودم و نخستین پلانی که در زندگی هنری‌ام فیلمبرداری کردم مربوط به همان فیلم است. در آخر پلان یک ابری روی خانه می‌آید که من به محض آنکه آن را دیدم به صورت اتفاقی به سرعت فیلمبرداری کردم که بسیار هم مورد توجه مسعود کیمیایی قرار گرفت. در واقع فیلمبرداری تمام شده بود و من یک دفعه چنین ابری را دیدم و آن را گرفتم و در فیلم قرار دادیم.

مجید اسماعیلی خطاب به علیرضا زرین‌دست گفت: تعداد فیلم‌هایی که شما کار کردید بسیار زیاد است. کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ او پاسخ داد: تعدادی از فیلم‌هایم را از نظر مضمون، فیلمنامه و فیلمبرداری خیلی دوست دارم. فیلم «تجربه» عباس کیارستمی که سیاه و سفید است به نظرم فیلم فوق‌العاده‌ای است، آن را خیلی دوست دارم و مورد تحسین منتقدان ایرانی و خارجی قرار گرفته است. همچنین فیلم‌های دیگری نظیر: «سایه‌های بلند باد»، «خط قرمز»، «طلسم»، «بای سیکل‌ران»، «عروسی خوبان»، «خانه خلوت» و «بازمانده» را هم دوست دارم.

همزمان با جشن پایان دوره مکتب‌خانه سنگلج عنوان شد

موزه تئاتر ایران در سنگلج برپا می‌شود

گروه فرهنگ و هنر: مراسم جشن پایان دوره مکتب‌خانه سنگلج و اهدای رخصت‌نامه به هنرجویان آن، با حضور استاد علی نصیریان و جمعی از هنرمندان و مدیران تئاتر کشور در تماشاخانه سنگلج برگزار شد. این مراسم با حضور محمدحسین ایمانی‌خوشخو، کاظم نظری (مدیرکل هنرهای نمایشی)، ایرج راد، قطب‌الدین صادقی، هادی مرزبان، رضا بابک، داوود فتحعلی‌بیگی، محمدحسین ناصربخت، داریوش مؤدبیان، اصغر همت، مجید افشار (بازیگر پیشکسوت نمایش‌های ایرانی و بازیگر نقش سیاه) اسرافیل فرج‌اللهی (مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی)، شهرام زرگر، پریسا مقتدی، افشین هاشمی، هادی عامل، عباس غفاری، شهاب شریفی، محمود زنده‌نام، مهرداد بیات، مهدی صفاری‌نژاد و دیگر مدیران و هنرمندان تئاتر و نمایش ایرانی برگزار شد. در ابتدای مراسم، علی نصیریان از دیدار دوستان و هنرمندان پیشکسوت تئاتر ابراز خوشحالی کرد و گفت: «این تجدیددیدار برایم بسیار عزیز است، آن هم در تماشاخانه‌ای که از زمان شکل‌گیری‌اش به آن رفت‌وآمد داشته‌ام».

او توسعه فرهنگی را ناشی از مدیریت خوب عنوان کرد و گفت: «توسعه فرهنگی با مدیریت خوب رخ می‌دهد. مدیریت فرهنگی بسیار دقیق و حساب‌شده است و ظرافت آن با دیگر شاخه‌ها قابل‌مقایسه نیست».

سپس پریسا مقتدی، مدیر تماشاخانه سنگلج نیز ضمن خیرمقدم به علی نصیریان گفت: «به خانه خودتان خوش آمدید، شما خودتان سرسلسله مدیریت هنری هستید».

او با اشاره به طرح گسترش تماشاخانه سنگلج، از همراهی نصیریان قدردانی کرد و از خریداری شدن ساختمان مجاور تماشاخانه که اقدامات آن در زمان مدیریت علی نصیریان انجام شده است، خبر داد».

محمدحسین ایمانی‌خوشخو، معاون سابق امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای هنر شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در این مراسم با اشاره به دغدغه تئاتر ملی که از سوی استادان حاضر در مراسم بیان شده است، از تصویب تشکیل «بنیاد تئاتر ملی ایران» در جلسه شورای هنر که صبح همان روز برگزار شده بود، خبر داد.

وی افزود: «بودجه خوبی در اختیار این بنیاد برای تولید نمایش ملی قرار خواهد گرفت و این بودجه غیر از بودجه اداره‌کل هنرهای نمایشی است. آنچه در دنیا می‌توانیم عرضه کنیم و مختص خود ما است، تئاتر ملی و نمایش ایرانی است که در نخستین فرصت، اساسنامه این بنیاد را تصویب می‌کنیم».

در ادامه این آیین، کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی نیز گفت: «وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده است ساختمان کناری تماشاخانه سنگلج به‌زودی در اختیار این تماشاخانه قرار می‌گیرد و امور آموزشی و حتی مرکزی شبیه تکیه دولت می‌تواند در آن قرار بگیرد».

نظری همچنین از تأسیس موزه تئاتر در ساختمان سابق اداره تئاتر خبر داد و افزود: «با دستور وزیر ارشاد قرار است بخشی از این ساختمان به موزه تبدیل شود».

علی نصیریان هم در ادامه پیشنهاد کرد «این ساختمان به چند کارگاه برای فعالیت جوانان اختصاص داده شود. اگر موزه در جایی مثل «تئاتر نصر» که ریشه تاریخی دارد، برپا شود، بهتر است».

نصیریان همچنین تأکید کرد: ساختمان اداره تئاتر، باید اصولی و مبنایی بازسازی شود تا از استحکام لازم برخوردار باشد.

اصغر همت نیز با تأیید صحبت‌های علی نصیریان گفت: «زمانی که هنرمندان در این ساختمان تمرین می‌کردند، دچار لرزش می‌شد، به همین خاطر هم بسته شد».

ایرج راد نیز عنوان کرد: بعضی سنگ‌اندازی‌ها در گذشته، سبب تأخیر در تشکیل موزه تئاتر در ساختمان تئاتر نصر شده است اگر نه بنای راه‌اندازی «موزه تئاتر نصر» گذاشته شده بود.

در ادامه مراسم، داوود فتحعلی‌بیگی، مدیر مکتب‌خانه سنگلج توضیحاتی درباره سبک و سیاق آموزشی این مکتب‌خانه که ویژه نمایش‌های ایرانی راه‌اندازی شده، ارائه کرد.

علی نصیریان درباره آموزش تئاتر ایرانی به اهمیت شناخت پیشینه این هنر و شناخت کسانی همچون عباس جوانمرد، بهرام بیضایی و اکبر رادی که در شکل‌گیری پایه‌های این هنر نقش داشته‌اند، پرداخت و تأکید کرد جوانان باید با آثار این نویسندگان و هنرمندان آشنا شوند.

او همچنین با تاکید بر اهمیت اقتباس ادبی در آثار هنری و بومی‌سازی متن‌های خارجی گفت: «اقتباس اهمیت زیادی دارد. نمونه موفق آن فیلم «ناخدا خورشید» است که تماشاگر باور نمی‌کند از روی یک اثر خارجی اقتباس شده باشد. می‌شود متون خارجی را بومی‌سازی کرد».

نصیریان ادامه داد: «من نمایشنامه‌نویس و کارگردان نبودم، در اصل بازیگر بودم. آنچه در دهه ۴۰ نوشتم، دستمایه‌ای بوده برای کارهای خودم. ما در زمینه اقتباس با آثار صادق هدایت آغاز کردیم». این هنرمند توضیح داد: «باید به هنرجویان این مکتب‌خانه پیشینه نمایشنامه‌نویسی ایران را بگویید، هنرجویان باید با آثار درخشانی مانند «مرگ یزدگرد» آشنا شوند. همچنان که زبان در تئاتر خیلی مهم است». در بخش پایانی برنامه، کیک جشن پایان دوره آموزشی مکتب‌خانه سنگلج توسط استاد علی نصیریان بریده شد.